ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
•یک شنبه•اول مهر ۱۳۹۷•شماره ۱۱۴۳

حدیث روز

پیامبر اکرم(ص): خداوند دوست دارد که بنده‌اش را در جست و جوی روزیِ حلال خسته ببیند.

کنزالاعمال

ذکر روز یک شنبه
صد مرتبه «یا ذاالجلال والاکرام»

در محضر بزرگان

دعوت با زبان مردم

علامه محمدرضا حکیمی می فرمایند:
«یکی از چیزهایی که بر صاحب دعوت حق و مبلغ راستین واجب است، آمیزش با مردمان و لمس کردن واقعیات محیط است، تا از این راه، از استعدادهای گوناگون مردم آگاهی حاصل کند و بتواند نیروهای عقلی پوشیده را برآورد و معادن انسانی وجود ایشان را اکتشاف کند. از همین جا تأکید شده است که دعوت -چنان که در قرآن آمده است- باید به زبان مردم باشد. و این زبان منحصر به زبان لغوی نیست، بلکه زبان فکری و عقلی و فرهنگی و زبان محیط و زبان زمانه و نسل را در بر می گیرد.»

برگرفته از کتاب «الحیاة»

غلط ننویسیم

جمع فارسی و عربی

واژه‌ها هنگامی که به زبانی دیگر مهاجرت می کنند، باید از قانون زبان مقصد پیروی کنند. شاید نتوانیم پاره‌ای از واژه‌ها را حذف کنیم، چون داد و ستد واژگان -در حد معمول- پذیرفته است ولی قرار نیست واژه‌ها، دستور زبان را هم با خود همراه بیاورند. در این صورت مثل موریانه زبان مقصد را از درون تهی می کنند. پس واژه‌های مهمان را باید با قواعد و دستور فارسی هماهنگ کنیم.
«ین» نشانه جمع عربی است. در فارسی بهتر است این واژه‌ها را با نشانه جمع فارسی جمع ببندیم: معلمان به جای معلمین، منتقدان به جای منتقدین، مخالفان به جای مخالفین، مورخان به جای مورخین و... برخی از این واژه‌ها را می توان با «ها» جمع بست مثل: معلم‌ها، منتقدها و....

برگرفته از کانال «زین قند پارسی»
علیرضا حیدری

قرار مدار

بریده کتاب

فرار از نگاه

می خواهی از نگاه کردن به او فرار کنی. پس سعی می کنی با ورق زدن کتاب توی دستت یا با کشیدن خطوط نامفهوم روی تکه‌ای کاغذ خودت را سرگرم کنی، اما نمی توانی. پرهیز از نگاه کردن به کسی که شوق دیدنش کلافه‌ات کرده، تردید مبهمت را به یقینی روشن تبدیل می کند: عاشق شده‌ای...

برگرفته از «چند روایت معتبر»
اثر مصطفی مستور

دنیا به روایت تصویر

رویترز | روز بدون خودرو، بروکسل

فرانس پرس | بازی بچه‌ها در خیابان‌های آب گرفته، هندوستان

با کاروان کربلا

جَوْن بْنِ حُوَیّ

غلام سیاهی که روسفید شد

همه ما از کودکی با شنیدن ماجرای کربلا بزرگ شده‌ایم. ذکر مصیبت‌های عاشورا در جان‌مان پیچیده و تک تک وقایع «روز واقعه» جلوی چشمان‌مان جان گرفته است. در این سلسله مطالب می خواهیم با کاروان کربلا همسفر شویم و با شخصیت‌های تاثیرگذار صحرای کربلا که کمتر می‌شناسیم‌شان یا حتی اصلا نام‌شان به گوش‌مان نخورده است بیشتر آشنا شویم.

جَون فردی سیاه‌پوست اهل نوبه (منطقه‌ای در آفریقا) و غلام فضل بن عباس بن عبدالمطلب بود که امام علی(ع) او را به مبلغ ۱۵۰ دینار خرید و به ابوذر بخشید. او تا زمان وفات ابوذر در ربذه همراهش بود و سپس به نزد امام علی(ع) برگشت و بعد در خدمت امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و سرانجام در خدمت امام سجاد(ع) بود. جَون همراه امام حسین(ع) از مدینه به کربلا رفت. گویا او اسلحه شناس بود و در اسلحه سازی استاد و در کار مرمت آلات حرب آزموده بود. در نقلی از امام سجاد(ع) آمده است شب عاشورا، جَون در چادر امام حسین(ع) بود و شمشیر ایشان را آماده می کرد.
جون روز عاشورا از امام اجازه خواست. امام به او اجازه نداد و فرمود: «من به تو اذن می دهم که از این سرزمین بروی و جان خود را حفظ کنی، زیرا تو همراه ما آمدی تا به عافیت و خوشی برسی، پس در گرفتاری ما خود را مبتلا مساز.» جَون گفت: «ای پسر پیغمبر(ص)، آیا سزاوار است که من در زمان خوشی و نعمت نان خور شما باشم، ولی در سختی ها شما را تنها بگذارم؟ درست است که رنگ سیاه دارم، ولی شما بر من منت بگذار و مرا به آسایش جاویدان بهشتی برسان تا بدنم خوشبو، نژادم شریف و رویم سفید شود. نه، هرگز! به خدا قسم از شما دور نمی شوم تا این که خون سیاه خویش را با خون پاک شما درآمیزم!» گفته شده بعد از این بود که به خدمت دختر امیرمؤمنان، زینب(س) و اطرافیان امام رسید تا آن ها را شفیع خود سازد. پس از آن از امام اجازه جهاد گرفت و وارد میدان رزم شد.
جَون بنا بر نقلی پس از اقامه نماز جماعت به میدان رفت و پس از کشتن ۲۵ نفر به شهادت رسید. نقل شده است که امام حسین(ع) بر سر بالینش آمد و این گونه دعا کرد: «خدایا! رویش را سفید و بویش را خوش گردان و با نیکان محشور کن و با محمد و آل محمد(ص) آشنا ساز.»
رجز جَون هنگام جنگ این بود: «بدکاران چگونه می بینند ضربت این سیاه را، با شمشیری که در راه فرزندان محمد(ص) کشیده شده است؛ من با دست و زبان از آنان حمایت می کنم و با این کار، بهشت را در روز ورود به محشر امید دارم.»
پیکر او همراه دیگر شهدا پایین پای امام حسین(ع) به خاک سپرده شد. به گفته مجلسی امام باقر(ع) از پدرش امام زین العابدین(ع) نقل می کند که بدن وی پس از ده روز از دفن شهدا پیدا شد و بوی عطر از آن به مشام می رسید.

ویکی شیعه، ویکی فقه

ما و شما

*نه به اون زمانی که ماهی یک بار هم ترسانک چاپ نمی کردین، نه به حالا که هر روز ترسانک دارین! کاش به بقیه پیشنهادهای خواننده هاتون همین قدر توجه می کردین!
*سی و یکم شهریور تولد همسر عزیزم، عشق بزرگ زندگیم، عبدالرضا سعادتی نژاد را از صمیم قلب تبریک میگم. **همسرت گلبهار**
*هر جور حساب می کنم اعضای تنم با هم قهرن و درگیر. پاهام رفته، دلم مونده. نگاهم رفته، فکرم مونده. جسمم میره تا فردا، روحم تو دیروزها مونده. همین جوری دارم کش میام... **مسعود مجنونپور**
*همسر تبریزی من، بهناز عزیز، از این که دکترا گرفته ای و دوازده سال است که با من در مشهد زندگی می کنی خوشحالم. عاشقانه دوستت دارم. **شوهرت امید**
*فائزه جان، واقعیت اینه که من بیشتر از ظرفیتم سرشار از محبت هات شدم. از این که این همه لطف داری ازت ممنونم. **فرزانه**
*خانمم زهرا خانم، تولدت مبارک. شادمانم در کنارت؛
همسرت حسن میرزاخانی، روستای فایندر

شعر

مهمانی پاییز

امیرحسین خوش حال | شاعر

پاییز می آید، خیابان، چتر، بارانی
ای کاش می شد پیش هم بودیم از آن اول
تو عاشق من هستی و این را نگاهت گفت
وقتی نباشی کل دنیا مثل زندان است
من ریختم بیرون تمام قرص هایم را
مشهد خیابان های پاییزی خوبی داشت:
من شعر می خوانم برایت بر تن ساحل
ما فارغیم از صحبت ارز و دلار و چک
باید لباس گرم خود را تن کنم کم کم
من اول مهر و کلاس درس جبرانی
یعنی از آن روزی که بودی یک دبستانی
من هم هواخواه توام اما نمی دانی
اوقات من هم بدتر از اوقات زندانی
دکتر! دوای من بوَد «پاییز درمانی»
دکتر بهشتی، جنّت، آخوند خراسانی
حینش تو می ریزی برایم چای فنجانی
یا از کلیپ تازه «ساشای سبحانی»
پاییز من را کرده دعوت توی مهمانی...

دور دنیا

رژیم عجیب مرد آلمانی

آدیتی سنترال- یک مرد ۳۰ ساله آلمانی رژیم عجیب و غریبی گرفته است. او به مدت ۲۰ ساعت هیچ چیزی نمی خورد و بعد از آن به قدری که جا داشته باشد غذا می خورد! هفته پیش او و همسرش به یک رستوران که آخر هفته ها پیشنهاد ویژه ای دارد، رفتند اما این مرد کاری کرد که تمام رستوران ها اعلام کرده اند هرگز او را به رستوران راه نمی دهند! در این رستوران مشتری با پرداخت پول یک پرس غذا برای خودش می توانست هر چقدر که دلش بخواهد غذا سفارش دهد. «یارو اسلاو» هم که ۲۰ ساعت بود چیزی نخورده بود، در مدت یک ساعت ۱۰۰ بشقاب سوشی را با پرداخت مبلغ ۱۶ یورو خورد!

تخم مرغ هایی که به جوجه تبدیل شدند

دیلی میل- یک زن و شوهر روسی با انتشار خبر و عکس های خنده داری از ۱۲ جوجه کوچک در خانه شان، سر و صدای زیادی در شبکه های اجتماعی این کشور به راه انداختند. آن ها ادعا می کنند تخم مرغ های محلی را سه هفته پیش برای مصرف خریده اند و یادشان رفته آن را در یخچال بگذارند. بعد از سه هفته و بازگشت از سفر، آن ها با منظره جالبی رو به رو شدند. ۱۲ جوجه کوچک در خانه شان جیک جیک می کردند! این زن و شوهر می گویند تخم مرغ ها در مکان گرمی قرار داشتند و برای همین جوجه ها به راحتی سر از تخم بیرون آوردند.

تلاش مرد مطلقه برای فرار از تنهایی

آدیتی سنترال- مرد ۵۰ ساله چینی که به تازگی از همسرش جدا شده بود و به شدت احساس تنهایی می کرد، به علت یک جرم خنده دار و عجیب توسط پلیس دستگیر شد. او از ابتدای سال تا کنون حدود ۷۰ لباس زنانه را از همسایه ها دزدیده است تا احساس کند بار دیگر ازدواج کرده است و همسری در خانه دارد.
او با پهن کردن لباس ها روی تراس خانه می خواست به بقیه هم بقبولاند که همسر دارد ولی همسایه ها که لباس هایشان را روی بند لباس او دیده بودند، با پلیس تماس گرفتند و این مرد در نهایت دستگیر شد.

زندگی بزرگان

شکستن نفس

یکی از دوستان شهید ابراهیم هادی داستان جالبی درباره خشوع شهید هادی نقل می کند:
باران شدیدی در تهران باریده بود. خیابان ۱۷ شهریور را آب گرفته بود. چند پیرمرد می خواستند به سمت دیگر خیابان بروند، مانده بودند چه کنند. همان موقع ابراهیم از راه رسید. پاچه شلوار را بالا زد. با کول کردن پیرمردها، آن ها را به طرف دیگر خیابان برد. ابراهیم از این کارها زیاد انجام می داد. هدفی هم جز شکستن نفس خودش نداشت. مخصوصا زمانی که خیلی بین بچه ها مطرح بود.

برگرفته از کتاب «سلام بر ابراهیم»

مناسبتی

تقدیم به شهدای حمله تروریستی اهواز

شهر مظلوم

سحر بهجو | شاعر

بخواب آرام در خاکی که خون است
شماری دیو و اهریمن کنارت
بخواب ای کودک معصوم و زیبا
خداحافظ تو را سرباز ناکام
بخواب این بار را آسوده با با
«چرا چون لاله خونین دل نباشم؟»

زمین در التهابی از جنون است
به چنگش دشنه های آبگون است
که گهواره پس از تو واژگون است
که درد مادرت ساعت فزون است
پس از تو خانه ما بی ستون است
که صدها نوگل ما سرنگون است

خاطره بازی

من کلاس اولی هستم، خوشحال هستم

سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

یادش به خیر، روزهای اول مهرماه؛ دو سه دهه قبل، حضور مهر، ردپای پاییز و بازگشایی مدارس بیشتر از هر چیز در تلویزیون ملموس بود که یک وُله پخش می کرد: «مدرسه ها وا شده! همهمه برپا شده، با حضور بچه ها، مدرسه زیبا شده!»
یک شعر دیگه هم بود که به «هم شاگردی سلام» معروف شد و می گفت: «آغاز سال نو، با شادی و سرور، همدوش و همزبان، حرکت به سوی نور، آغاز مدرسه، فصل شکفتن است، در زنگ مدرسه، بیداری من است، در دل دارم امید، بر لب دارم پیام، هم شاگردی سلام، هم شاگردی سلام...» اما شاخ ترانه های کودکانه اون وقت ها که به جای ایجاد حس خوب باعث می شد بچه ها استرس بگیرن این بود: «باز آمد بوی ماه مدرسه، بوی بازی های راه مدرسه، بوی ماه مهر، ماه مهربان، بوی خورشید پگاه مدرسه...» البته الان که دوباره این سرودها رو گوش میدیم، می فهمیم تولیدات شیرین و استانداردی بودن، منتها چون شنیدن شون مساوی بود با حس بد پایان تعطیلات، بهشون آلرژی زیادی پیدا کرده بودیم؛ در این حد که وقتی آهنگ رو می شنیدیم خیلی ریز و خفیف دل‌پیچه می شدیم! بعدها تو دههٔ هفتاد یک ابتکار دیگه توی تلویزیون زدن، از این قرار که یک بچهٔ کوچولو رو گذاشتن جلوی دوربین که میخ به ملت نگاه می کرد و می گفت: «من کلاس اولی هستم، خوشحال هستم»! کاش می شد الان این بزرگوار رو پیدا کنیم و ازش بپرسیم هنوزم از این که رفتی مدرسه خوشحال هستی؟ با لیسانس چی، بیکار هستی؟
اما بگم از خودمون که از اوایل شهریور کتاب ها رو از لوازم تحریری ها می گرفتیم. هر سال چند عنوان از کتاب ها کمبود داشت و در مواردی تا نزدیک امتحان ها هم نمی اومد. برای همین چون دهه شصتی های باتجربه ای بودیم از خود شهریور شروع می کردیم به جست وجو توی در و همسایه تا بتونیم از کتاب های سال قبل دیگران استفاده کنیم. کاغذ کادو و سلفون می گرفتیم و می افتادیم به جون کتاب ها. جلد کردن کتاب ها قلق خاص خودش رو داشت. برچسب زدن روی دفتر و کتاب ها هم لطف خودش رو داشت اما برای این کار باید تا مهر صبر می کردیم تا شیفت و کلاس و نام معلم مون معلوم بشه. اواخر شهریور که می شد، مامان ها می گفتن: «کی بشه اول مهر بیاد، برین مدرسه، خسته شدم از بس اذیت کردین!» اما روز اول مدرسه ها طبق معمول با اشک و آه بدرقه مون می کردن. البته روزهای اول مدرسه در سال ۹۷ حسابی متفاوت از روزهای اول مدرسه در دهه های قبل است. این روزها برای کلاس اولی ها جشن می گیرن، والدین تا کنار میز و نیمکت یک کلاس اولی بدرقه اش می کنن اما به طور مثال در دهه ۶۰، فوق فوقش برای خوش آمد گویی به مدرسه به کلاس اولی ها یک تافی کره ای بدمزه می دادن که در نهایت کلاس پنجمی ها به زور همون رو هم ازمون می گرفتن. خلاصه مدرسه باهمین خاطره‌ها برای هر نسلی تداعی میشه.

برای اولین بار در ایران
مرکز پزشکی تخصصی و فوق تخصصی شهید علوی
علوی
کلینیک تخصصی بانوان
تنها مرکز تخصصی ویژه بانوان در کشور
مجهز به آخرین تجهیزات تناسب اندام با فناوری نوین:
تکنولوژی اندرمولوژی (LPG)
تکنولوژی رادیو کنفرانس (RF)
تکنولوژی اولتراسوند کویتیشن (mCavi)
تجهیزات تناسب اندام راهکاری تخصصی برای لاغری موضعی، شادابی و جوانی

بازگشت ساعت بیولوژیکی بدن خود را از متخصصین زنان در مرکز ما بخواهید.
تحولی عظیم در دنیای بانوان با تکنولوژی پیشرفته لیزر
بدون درد، با بهبودی سریع و نتایج درخشان
لیزر مونالیزا تاج بی نظیرترین تکنولوژی روز دنیا
مشهد، حدفاصل پنجراه سناباد و چهارراه آبکوه پلاک ۳۳
تلفن: ۸۴۲۷۹۳۴ /۰۵۱۳ ۸۴۲۸۴۰۴ /۰۵۱۳
alaviclinic @alaviiclinic
ع/۹۷۱۰۲۳۹۳

تجدید آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول)
شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی در نظر دارد پروژه های مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (فشرده) که تماماً در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (WWW.SETADIRAN.IR) انجام می گردد را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	مشخصات پروژه	مدت	مبلغ برآورد (ریال)
۱	تکمیل مرمت نوار حفاری آسفالت ناشی از اجرای شبکه فاضلاب مناطق پراکنده سطح شهر بجنورد	۱۲ ماه	۲۵/۱۱۹/۴۷۳/۴۶۵
۲	تکمیل مرمت نوار حفاری آسفالت ناشی از اجرای شبکه فاضلاب گلستان شهر و شهرک فرهنگیان بجنورد	۱۲ ماه	۲۰/۱۰۸/۸۸۲/۴۷۸
۳	تکمیل مرمت نوار حفاری آسفالت ناشی از اجرای شبکه فاضلاب شهر شیروان	۱۲ ماه	۱۹/۴۵۵/۲۸۹/۰۱۹

۱- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه تا: ۹۷/۰۷/۰۳ ساعت ۱۹ ۲-مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه: ۹۷/۰۷/۱۴ ساعت ۱۵:۳۰
۳- زمان بازگشایی پاکات پیشنهادات: ۹۷/۰۷/۲۲ ساعت ۹ صبح در محل شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی
۴- هزینه چاپ آگهی مناقصه در دو نوبت به عهده برنده می باشد. نکته مهم: سایر توضیحات تکمیلی در اسناد مناقصه اعلام شده است.
روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی
۹۷۱۰۲۶۰۰/ع

تجدید آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول)
شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی در نظر دارد پروژه های مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (فشرده) که تماماً در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (WWW.SETADIRAN.IR) انجام می گردد را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	مشخصات پروژه	مدت	مبلغ برآورد (ریال)
۱	لایروبی قنات (تنکه کزی) آب شرب جاجرم	۳ ماه	۲/۸۹۹/۱۹۶/۸۱۲
۲	حفر و لوله گذاری و پمپاژ یک حلقه چاه آب شرب به روش دروانی ضربه ای شهر شیروان	۶ ماه	۶/۰۴۱/۴۳۹/۴۹۶
۳	حفر و لوله گذاری و پمپاژ یک حلقه چاه آب شرب به روش دروانی ضربه ای در شهر حصار گرمخان (بجنورد)	۶ ماه	۳/۱۱۹/۲۱۴/۳۴۵
۴	حفر و لوله گذاری و پمپاژ ۴ حلقه چاه آب شرب به روش دروانی ضربه ای در شمال شهر بجنورد	۶ ماه	۲۰/۶۴۰/۱۳۰/۴۳۰
۵	حفر و لوله گذاری و پمپاژ یک حلقه چاه آب شرب به روش دروانی ضربه ای شهر بجنورد (چاه ۵ کلاته نقی)	۶ ماه	۵/۵۲۶/۴۷۱/۱۳۲

۱-مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه تا: ۹۷/۰۷/۰۳ ساعت ۱۹ ۲-مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه: ۹۷/۰۷/۱۴ ساعت ۱۵:۳۰
۳-زمان بازگشایی پاکات پیشنهادات: ۹۷/۰۷/۱۵ ساعت ۹ صبح در محل شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی
۴-هزینه چاپ آگهی مناقصه در دو نوبت به عهده برنده می باشد. نکته مهم: سایر توضیحات تکمیلی در اسناد مناقصه اعلام شده است.
روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی
۹۷۱۰۲۵۹۷/ع